بر این اساس [əkɔːrdiŋli] ADV. بر این اساس

اگر کسی بر این اساس عمل کند، آنها به گونه ای عمل می کنند که مناسب است.

→ او احساس می کند که او کار خوبی انجام داد، و رئیس او باید او را بپردازد.

لنگر

لنگر [ŋŋkər] n. لنگر

لنگر یک جسم سنگین از یک قایق کاهش یافته است تا آن را در یک مکان باقی بماند.

→ زمانی که کشتی به مقصد خود رسید، خدمه لنگر را کاهش داد.

بویایی

شناور [buːi] n. بویایی

یک شناور یک نشانه شناور است که قایق های مناطق خطرناک را هشدار می دهد.

→ قایق را در نزدیکی آن شنا ها هدایت نکنید. سنگهای زیر آب وجود دارد.

فاجعه

فاجعه [kətæstrəfi] n. فاجعه

یک فاجعه یک رویداد غیر منتظره است که باعث درد و رنج شدید می شود.

→ این یک فاجعه برای خانواده من بود، زمانی که پدرم کار خود را از دست داد.

متن نوشته

زمینه [kɒntekst] n. متن نوشته

زمینه شرایطی است که پس زمینه یک رویداد را تشکیل می دهند.

→ آنها قبل از ارائه خود، زمینه نبرد را مطالعه کردند.

تعیین کردن

تعیین [dezigneit] v. تعیین

برای تعیین کسی یا چیزی به معنی آن را به آنها توصیف خاصی بدهید.

→ فانوس معروف یک بنای تاریخی تعیین شد.

تحریف کردن

تحریف [distɔːrt] v. تحریف

برای تحریف چیزی به معنای دروغ در مورد آن است.

→ وکیل او حقایق را تحریف کرد تا بتواند آزاد شود.

بارانداز

داک [Dɒk] n. بارانداز

یک اسکله یک منطقه محصور است که در آن کشتی ها بارگیری، تخلیه شده و تعمیر می شوند.

→ کشتی بزرگ به اسکله کشیده شد و خدمه محموله را تخلیه کرد.

جلو

پیش از [fɔːr] n جلو

جلوی چیزی قسمت جلویی آن است.

→ میز معلم در جلوی کلاس درس است.

زود زود

مکرر [friːkwənt] adj. زود زود

اگر چیزی مکرر باشد، آن اتفاق می افتد یا اغلب انجام می شود.

→ در حالی که پدر بیمار بود، دکتر بازدید های مکرر را به خانه اش داد.

اصل

واقعی [dʒenjuin] adj. اصل

هنگامی که چیزی واقعی است، درست یا واقعی است.

→ پس از نقاشی تعیین شد که واقعی بود، آن را برای یک میلیون دلار فروخت.

گریس

گریس [griss] n. گریس

گریس یک ماده روغنی است که در قسمت های متحرک قرار می گیرد، به طوری که آنها هماهنگ کار می کنند.

→ هنگامی که من کار بر روی ماشین انجام شد، من تمام دستم را از دست دادم.

پیچیده

پیچیده [intrəkit] adj. پیچیده

هنگامی که چیزی پیچیده است، دارای بسیاری از قطعات کوچک یا جزئیات است.

→ نقاشی پیچیده روی دمپایی بسیار دوست داشتنی بود.

انحراف

افست [ɔ: fset] v. افست

به منظور جبران ابزار برای استفاده از یک چیز برای لغو اثر چیز دیگری.

→ افزایش دستمزد با قیمت های بالاتر برای کالاها جبران می شود.

همدستی کردن

همپوشانی [ouvərlæp] v. همپوشانی

برای همپوشانی چیزی به معنای پوشش یک قطعه از آن است.

→ هدیه در بالا همپوشانی دیگر هدیه در پایین.

رسوب کردن

رسوب [Prisipəteit] v. رسوب

برای رسیدن به یک رویداد به این معنی است که باعث می شود آن را زودتر از حد طبیعی اتفاق بیافتد.

→ حمله خشونت آمیز یک جنگ تمام شده را تشدید کرد.

دست دوم

دوم [sekəndhænd] adj. دست دوم

هنگامی که چیزی دوم است، آن را متعلق به شخص دیگری است.

→ شلوار جین دوم او کمی در جلو بود.

اسلات

شکاف [slɒt] n. اسلات

یک اسلات یک باز شدن باریک در یک ماشین یا ظرف است.

→ برای کارکردن دستگاه، سکه های خود را به شکاف بگذارید.

غرق شدن

غرق شدن [səbməːrdʒ] v. submerge

برای غرق شدن چیزی به این معنی است که آن را زیر سطح مایع قرار دهید.

→ نهنگ بدن بزرگ خود را به اقیانوس منتقل کرد.

تاکتیک

تاکتیک [tæktik] n. تاکتیک

یک تاکتیک یک برنامه دقیق برای رسیدن به چیزی است.

→ سام از یک تاکتیک خوب به منظور جذب کسب و کار بیشتر فکر کرد.

غرور جین

جین و پدرش، مایک، دارای یک قایق دوم است. آنها آن را "امید بالا" نامیده اند. دو نفر دوست داشتند با هم در اقیانوس صرف کنند و اغلب به سفرهای ماهیگیری طولانی ادامه می دهند.

مایک جین را آموزش داد که چگونه وظایف مهم را انجام دهد. جین یاد گرفت که چگونه قایق را هدایت کند و بادبان ها را تنظیم کند. او آموخت که چگونه گریس را روی چرخ دنده های پیچیده موتور قرار دهید. او آموخت که چگونه لنگر را غرق کند و آن را با قرار دادن طناب در یک اسلات محافظت کند. جین دوست داشت به پدرش کمک کند، اما او فکر کرد که او در آن بسیار خوب نبود. گاهی اوقات او مراحل مهمی را حذف کرد و اشتباهات مکرر را انجام داد. جین فکر کرد که او قادر به کار دستی نیست.

مایک می خواست به او ثابت کند که او واقعا قادر به توانایی و مهم بود. او از یک تاکتیک برای تست مهارت های جین در زمینه فاجعه فکر کرد. او تحت عرشه پنهان شده و وانمود کرد که به دام افتاده باشد. او فریاد زد: "جین، من نمی توانم بیرون بروم! شما باید به اسکله بازگردید و کمک کنید! "

جین شروع به وحشت کرد. او فکر کرد که او ممکن است اشتباهات معمول خود را ایجاد کند، که یک فاجعه را تشدید می کند. با این حال، او مجبور بود به پدرش گوش دهد و به همین ترتیب عمل کند. او با تمام توانایی هایش لنگر را کشیده بود. او به یاد می آورد که بادبان را به هم متصل کند تا باد را جبران کند. او قایق را در اطراف شناور هدایت کرد که در آن آب کم عمق بود. وقتی آنها به ساحل رفتند، مایک از زیر عرشه بیرون آمد.

جین گفت: "من فکر کردم شما به دام افتاده اید!"

مایک خندید او گفت: "این یک اورژانس واقعی نبود. من حقیقت را تحریف کردم تا توانایی های شما را آزمایش کنم. نگاهی به آنچه که شغلی بزرگی انجام داده اید، قایق را با خیال راحت گرفتید! من میدانستم که تو میتوانی این کار را انجام دهی."

مایک تصمیم گرفت تا قایق خود را تغییر نام دهد. او آن را "غرور جین" نامگذاری کرد و نام را در جلوی کشتی نقاشی کرد. جین در نهایت چیزی بود که افتخار می کرد.